

تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران

دکتر هاشم نیکومرام^۱

دکتر یونس بادآور نهندي^۲

چکیده

این تحقیق عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران را شناسایی و ارزیابی کرده است. جامعه آماری تحقیق، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره تحقیق از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ می باشد. تحقیق حاضر جزء تحقیقات تجربی حسابداری است و برای انجام آن از روشهای تحقیق علی-مقایسه‌ای و همبستگی استفاده شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از آزمون همبستگی، آزمون تفاوت میانگینها و الگوی رگرسیونی پروبیت استفاده گردیده است. نتایج آزمونهای تک متغیره فرضیه‌های تحقیق نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی با حاشیه سودآوری، و کارایی مدیریت شرکت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت شرکت

- دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران (Nikoomaram@iaucss.org)

- دانش آموخته دکتری حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

رابطه منفی دارد. با این حال، بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصتهای رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت، و اهرم مالی شرکت رابطه‌ای مشاهده نگردید. همچنین، بر مبنای آزمونهای چندمتغیره الگوهایی ارائه گردید که امکان پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی برای دوره مالی آینده را فراهم می‌کند. این الگوها مبتنی بر توزیع احتمال نرمال استاندارد (CDF) است و احتمال گزارشگری مالی با کیفیت برای دوره مالی آینده را برآورد می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

کیفیت گزارشگری مالی، اقلام تعهدی، جریانهای نقدی آتی، هزینه‌های محرمانه، عوامل مدیریتی، ویژگیهای شرکت.

مقدمه

بازار سرمایه به عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار منجر به اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان می‌شود و در نهایت، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. گزارشهای مالی از مهمترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیریهای اقتصادی می‌باشد و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تأمین می‌کند. متأسفانه در سالهای پایانی قرن بیستم میلادی و در آستانه ورود به قرن بیست و یکم، ورشکستگی شرکتهای عظیم نظیر انرون، وردکام، آدلفی، سیکو، لیوسنت و زیراکس، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. ورشکستگی چنین شرکتهایی باعث نشانه رفتن انگشت اتهام به سوی حسابداری و گزارشگری مالی شد، به طوری که در موارد متعدد از این وقایع به عنوان رسوایی حسابداری یاد شد. اما این خاتمه کار نبود، بلکه سیستم گزارشگری مالی به دلیل خدشه‌دار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحرانهایی مواجه شد (بولو، ۱۳۸۶، ۳). افزایش شمار تقلبها

که با ورشکستگی شرکتهای بزرگ در هم آمیخته بود، نگرانیهایی را درباره کیفیت گزارشهای مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی در راستای چاره‌جویی در این خصوص به تدبیر راهکارهایی همت گمارد. تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد^۱ به استانداردهای مبتنی بر اصول^۲، تأکید بر استقلال حساب‌رسان و حاکمیت شرکتی^۳ برای حمایت از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی از جمله تدابیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود. از سوی دیگر، صاحب‌نظران و اندیشمندان دانشگاهی نیز به سهم خود، سمت و سوی تحقیقات تجربی را به کیفیت گزارشگری مالی و اثرات آن بر بازار سرمایه سوق دادند تا بلکه بتوانند در این خصوص نقش مفیدی را ایفا نمایند. در حال حاضر در ارتباط با کیفیت گزارشگری مالی و اندازه‌گیری آن و نیز تأثیر دستورالعمل‌ها و استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی تحقیقاتی در حال انجام است. بسیاری از این تحقیقات، کیفیت گزارشگری مالی شرکتها را با دیدگاه رویکرد رویدادی^۴، صرفاً به استانداردها و رهنمودهای حسابداری و گزارشگری مالی نسبت داده و در صدد تبیین کیفیت گزارشگری مالی از منظر دستورالعملهای بیرونی ناظر بر آن برآمده‌اند. اما با وجود مکانیزه‌های نظارتی یکسان برای گزارشگری مالی شرکتها، به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی آنها یکسان نیست و این امر بیانگر آن است که احتمالاً عوامل دیگری وجود دارد که باعث ایجاد تفاوت در کیفیت گزارشگری مالی شرکتها می‌گردد. این تحقیق چشم‌انداز جدیدی را به موضوع کیفیت گزارشگری مالی می‌گشاید و با درون‌زا فرض نمودن کیفیت گزارشگری مالی، تلاش می‌کند عوامل مؤثر بر آن را شناسایی و ارزیابی نماید. امید است

^۱ Rule -based standards

^۲ Principle – based standards

^۳ Corporate governance

^۴ Event approach

شناخت و آگاهی از این عوامل، گامی در جهت شفافیت و کارایی بازار سرمایه، تخصیص بهینه منابع، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی باشد.

بیان مسئله

مبانی نظری حسابداری مالی به عنوان یک منشور، اهداف و مقاصد گزارشگری مالی، ویژگیهای کیفی اطلاعات مالی و معیارهای شناخت و اندازه‌گیری در گزارشهای مالی را تعیین می‌کند و به عنوان راهنمای تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می‌شود زیرا تدوین استانداردهای حسابداری بدون بهره‌مندی از مبانی نظری، در محیط پیچیده و چالش برانگیز امروز، بی‌محتوا، سلیقه‌ای، متناقض و غیر قابل دفاع خواهد بود. از زمان تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری، تحقیقات متعددی درباره کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده از طریق سیستم حسابداری انجام شده است. نتایج تحقیقات انجام شده توسط گلوستن^۱ و میلگرام^۲ (۱۹۸۵)، امیهود^۳ و مندلسون^۴ (۱۹۸۶)، دیاموند^۵ و ورکچیا^۶ (۱۹۹۱) و ایسلی^۷ و اوهارا^۸ (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که افزایش کیفیت اطلاعات مالی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه، کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود (Cohen, 2004, 2). همچنین تحقیقات انجام شده توسط هیلی^۹، هاتون^{۱۰} و پالپو^{۱۱} (۱۹۹۹) بیانگر آن است که بهبود کیفیت گزارشگری مالی موجب افزایش درجه نقدشوندگی سهام و بهبود

¹-Glosten

²-Milgrom

³-Amihud

⁴-Mendelson

⁵-Diamond

⁶-Verrecchia

⁷-Easley

⁸-O'Hara

⁹-Healy

¹⁰-Hutton

¹¹-Palepu

عملکرد سهام می‌شود (Ibid, 9). ورکچیا و لئوز^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند که کیفیت پایین گزارشگری مالی منجر به ایجاد ریسک اطلاعات و افزایش هزینه سرمایه می‌شود (بولو، ۱۳۸۶، ۸۷). سان^۲ (۲۰۰۵) تحقیقی انجام داد که نتایج آن نشان می‌دهد پیش بینی کیفیت بالا برای گزارشگری مالی در زیر ساختهای قانونی، سیاسی و اقتصادی موجب بهبود کارایی تخصیص سرمایه می‌شود (Sun, 2005, 52). رج گوپال^۳ و ون کاتاجلم^۴ (۲۰۰۵) نشان دادند که کیفیت گزارشگری مالی از لحاظ آماری با نوسانات بازده سهام دارای رابطه منفی می‌باشد (Rajgopal & Venkatachalm, 2005, 35-37).

وردی^۵ (۲۰۰۶) در تحقیقی اثبات نمود که گزارشگری مالی با کیفیت با کاهش سرمایه‌گذاری کمتر از حد و بیشتر از حد شرکت به افزایش کارایی سرمایه‌گذاریهای آن کمک می‌کند (Verdi, 2006, 29-30). با این حال، علیرغم پیامدهای اقتصادی مطلوب و منافع گسترده‌ای که از ارائه گزارشهای مالی با کیفیت نصیب جامعه می‌شود، گزارشهای مالی شرکتها از محتوای اطلاعاتی یکسانی برخوردار نیست و به نظر می‌رسد عوامل و متغیرهایی منجر به ایجاد تفاوت در کیفیت اطلاعات مالی می‌شود. کسب شناخت و آگاهی از این عوامل موجب می‌شود دانشگاهها، مراکز تحقیقاتی و مراجع استاندارد گذار بتوانند الگوها و رهنمودهایی را برای ارتقای روز افزون کیفیت گزارشهای مالی واحدهای تجاری ارائه نمایند و با جریان اطلاعات قابل اتکا و مربوط در بازار سرمایه، موجبات شکوفایی اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی فراهم گردد. این تحقیق تلاش می‌کند تا عوامل داخلی را که بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد شناسایی و ارزیابی

¹⁻ Leuze

²⁻ Sun

³⁻ Rajgopal

⁴⁻ Venkatachalm

⁵⁻ Verdi

و در صورت امکان، الگویی برای آن ارائه نماید. بنابراین پرسش اصلی که این تحقیق به دنبال یافتن پاسخ برای آن می‌باشد، به این صورت است که چه عواملی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر می‌گذارد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

کیفیت گزارشگری مالی (محتوای اطلاعاتی اجزای سود عملیاتی حسابداری برای پیش بینی جریانهای نقدی عملیاتی آتی)

در چارچوب نظری حسابداری مالی که تعیین‌کننده اهداف گزارشگری مالی است توجه خاصی به جریانهای نقدی و امکان پیش بینی آن مبذول شده است. در بیانیه مفاهیم حسابداری مالی شماره یک هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی بیان شده است که «یکی از هدفهای گزارشگری مالی فراهم آوردن اطلاعاتی است که سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان بالفعل و بالقوه را در برآورد مبلغ، زمان و مخاطره دریافتهای آینده یاری کند» (FASB, 1978, Par. 37). کمیته تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری نیز در استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۷ بیان می‌کند که «اطلاعات مربوط به جریانهای وجوه نقد یک واحد تجاری برای استفاده‌کنندگان در فراهم آوردن مبنایی به منظور ارزیابی توان آن واحد در ایجاد وجوه نقد و نیازهای آن واحد در بکارگیری این وجوه، سودمند است. همچنین تصمیمات اقتصادی که توسط استفاده‌کنندگان اتخاذ می‌شود، مستلزم ارزیابی توانایی واحد تجاری در ایجاد وجوه نقد، زمان‌بندی و اطمینان از آن است» (IASCF, 2007, 856). کمیته تدوین استانداردهای حسابداری ایران نیز در مفاهیم نظری گزارشگری مالی بیان نموده است که «اتخاذ تصمیمات اقتصادی توسط استفاده‌کنندگان صورتهای مالی مستلزم ارزیابی توان واحد تجاری جهت ایجاد وجه نقد و قطعیت آن است. ارزیابی توان ایجاد وجه نقد از طریق تمرکز بر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریانهای نقدی واحد تجاری و استفاده از آنها در پیش بینی

جریانهای نقدی مورد انتظار و سنجش انعطاف پذیری مالی، تسهیل می گردد» (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۶، ۶۷۴).

بررسی مبنای نظری و اهداف گزارشگری مالی مبین این موضوع است که یکی از اهداف گزارشگری مالی، کمک به سرمایه گذاران و اعتباردهندگان برای پیش بینی جریانهای نقدی آتی است. برخی از صاحب نظران و مراجع تدوین مبنای نظری و اهداف گزارشگری مالی معتقدند که با استفاده از اجزای سود تعهدی حسابداری می توان جریانهای نقدی آتی را پیش بینی کرد. سود حسابداری بر اساس مبنای تعهدی اندازه گیری و گزارش می شود. معمولاً استفاده از مبنای تعهدی موجب متفاوت شدن سود عملیاتی با خالص جریانهای نقدی عملیاتی خواهد گردید. از مهمترین عوامل ایجاد تفاوت بین سود تعهدی و جریانهای نقدی، اقلام معوق، اقلام انتقالی به دوره های آتی و اقلام غیر نقد را می توان اشاره کرد. در بسیاری از تحقیقات از قبیل بیمن^۱ و ورکچیا (۱۹۹۶)، فیریلد و دیگران^۲ (۱۹۹۶)، ادمتی^۳ و پلیدرر^۴ (۲۰۰۰)، بارث و دیگران^۵ (۲۰۰۱)، ایسلی و اوهارا (۲۰۰۳) و میخائیل و دیگران^۶ (۲۰۰۳)، دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار گرفته است. دقت اطلاعات مالی بیانگر توانایی اجزای سود تعهدی حسابداری (تحت شرایط انعطاف پذیری و اختیار عمل در انتخاب از میان رویه ها و برآوردهای حسابداری) برای پیش بینی جریانهای نقدی مورد انتظار آینده می باشد. بنابر این بالا بودن دقت و توان پیش بینی کنندگی اجزای سود تعهدی از شاخصهای تعیین محتوای اطلاعاتی و کیفیت بالای گزارشگری مالی می باشد (Cohen, 2004, 1, 14).

¹Baiman

²Fairfield et al

³Admati

⁴Pleiderer

⁵Barth et al

⁶Mikhail et al

هزینه‌های محرمانه و کیفیت گزارشگری مالی

اگرچه گزارشگری مالی با کیفیت، نتایج مثبت زیادی در پی دارد، برخی دیدگاهها هزینه‌های محرمانه احتمالی آن را بیشتر از منافع آن می‌دانند. برخی از استدلالهای ارائه شده برای این نوع نگرش به شرح زیر مطرح می‌گردد (Miller & Bahnson, 1999, 90-96):

الف. هزینه فراهم آوردن اطلاعات لازم برای گزارشگری مالی با کیفیت: برخی از مدیران به بخش گزارشگری مالی به عنوان مرکز هزینه نگاه می‌کنند و دقت و کیفیت اندازه‌گیریها و برآوردها و نیز حد و مرز پاسخگویی را بر اساس میزان مخارج قابل تحمل تعریف می‌کنند.

ب. یاری رسانی به رقیب: برخی از گروهها معتقدند که گزارش اطلاعات دقیق و با کیفیت، به رقابای بالفعل و بالقوه در بازار محصول و خدمت کمک خواهد کرد و فرصتهای رشد و نوآوری، وضعیت منحصر به فرد و استراتژیها و مزیت‌های رقابتی را به مخاطره خواهد انداخت.

ج. نوسان پذیری و رویدادهای غیر منتظره: گروهی معتقدند که بازار کارا از نوسان پذیری و رویدادهای غیر منتظره متنفر است و سرمایه‌گذاران از شنیدن اخبار بد غیر منتظره یا غیر قابل کمی سازی هراس زده می‌شوند. بنابراین گزارشهای مالی صرفاً باید رویدادهای یکنواخت و عادی را نمایش دهد و نباید موجبات پریشانی خاطر مشارکت کنندگان بازار را فراهم نماید.

د. خطر پیشرو بودن: گروهی نیز به دلیل عدم اعتقاد بر پیامدهای مطلوب کیفیت گزارشگری مالی تلاش می‌کنند تا در این زمینه، پیشرو نباشند و نوآوری در گزارشگری مالی را با خطر همراه می‌دانند. بر اساس مبانی نظری، برخی از عوامل مرتبط با هزینه‌های محرمانه در ادامه تشریح می‌شود.

فرصتهای رشد: هر قدر نوآوری در بازار و اتکا به سرمایه‌های فکری و داراییهای نامشهود بیشتر باشد، احتمالاً نیاز به سرمایه‌گذاری برای حفظ شرایط منحصر به فرد و فرصتهای آتی افزایش خواهد یافت (Cohen, 2004, 21). عبدالحمیدی و دیگران^۱ (۲۰۰۶) به این نتیجه رسیدند که هنگامی که شرکتها برای ایجاد ارزش به فناوری و داراییهای نامشهود اتکا می‌کنند، نسبت به شرکتهایی که به داراییهای مشهود متکی هستند، تحلیل‌گران برای تحلیل آنها به استفاده بیشتر از اطلاعات بازار در مقایسه با اطلاعات صورتهای مالی گرایش پیدا می‌کنند (Abdolmohammadi et al, 2006, 375). کوهن^۲ (۲۰۰۴) بین فرصتهای رشد و کیفیت گزارشگری مالی رابطه‌ای مشاهده نکرد (Cohen, 2004, 45). کدخدایی و صابری (۱۳۸۱) در بررسی برخی از عوامل مرتبط با کیفیت سود، به این نتیجه رسیدند که بین شاخصهای رشد و کیفیت سود رابطه وجود ندارد (بولو، ۱۳۸۶، ۹۹).

رقابت در بازار محصول: هر قدر تعداد واحدهای تجاری موجود در صنعت، کمتر و توزیع بازار بین آنها نابرابر باشد، تمرکز و انحصار در آن بیشتر خواهد بود. دروگ^۳ و استاگتون^۴ (۱۹۹۰) معتقدند که در صنایع رقابتی، واحدهای تجاری با ارائه گزارشهای مالی دقیق و با کیفیت، از ورود رقبای بالقوه به صنعت ممانعت به عمل می‌آورند (Cohen, 2004, 22). ورکچیا (۱۹۸۳) نشان می‌دهد که رقابت موجود در بازار محصول، مانع از انتشار گزارشهای مالی با کیفیت می‌شود و شرکتها در بازارهای رقابتی، اطلاعات مالی را با محتوای پایین گزارش می‌کنند (Ibid, 44). هریس^۵ (۱۹۹۸) به این نتیجه رسید در صنایعی که میزان رقابت پایین است، احتمال افشای مناسب عملیات در آن اندک است (Ibid, 44). کوهن

¹⁻ Abdolmohammadi et al

²⁻ Cohen

³⁻ Darrough

⁴⁻ Stoughton

⁵⁻ Harris

(۲۰۰۴) اثبات نمود در صناعی که شدت رقابت در آن پایین است، احتمال گزارش اطلاعات مالی با کیفیت در آنها کم است (Ibid, 44).

حاشیه سودآوری: بالا بودن حاشیه سودآوری علیرغم اینکه موجبات رضایتمندی گروههای ذینفع را فراهم می‌سازد، جلب رقابت در آینده و تهدید ناشی از ورود رقبای بالقوه را به همراه دارد (Ibid, 24). از سوی دیگر، مطالعات تجربی **لنگ**^۱ و **لاندهولم**^۲ (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که عملکرد شرکت با کیفیت گزارشگری مالی و افشا رابطه مثبت دارد (Ibid, 24). پیوتراسکی^۳ (۲۰۰۳) اثبات نمود که بالا بودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود (Ibid, 45). کوهن (۲۰۰۴) بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی پیدا کرد و معتقد است که شرکتهای با قدرت سودآوری بالا با هزینه‌های محرمانه زیادی روبرو هستند (Ibid, 45).

تمرکز مالکیت: جدایی مدیریت از مالکیت، تنها دلیل ایجاد مسئله نمایندگی بین سهامداران و مدیران نیست، بلکه پراکندگی مالکیت در تعداد زیادی سهامدار کوچک نیز می‌تواند دلیلی بر آن باشد. روئه^۴ (۱۹۹۰) معتقد است که در ترکیب مالکیت گسترده، هیچ یک از سهامداران کوچک انگیزه‌ای برای نظارت ندارند زیرا در این صورت، هر شخص که بخواهد بر عملکرد شرکت نظارت کند، باید هزینه‌های مرتبط با آن را پردازد و این در حالی است که بقیه سهامداران نیز از منافع آن استفاده می‌کنند (ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۶، ۲۲). کوهن (۲۰۰۴) نشان داد شرکتهایی که مالکیت آنها به صورت پراکنده است، به احتمال زیاد اطلاعات مالی با کیفیت فراهم می‌کنند (Cohen, 2004, 43-44). طبق تحقیقات انجام شده توسط

¹- Lang

²- Lundholm

³- Piotraski

⁴- Roe

اشلیفر^۱ و ویشنی^۲ (۱۹۹۷)، لاپورتال و دیگران^۳ (۱۹۹۹) و جانسون و دیگران^۴ (۲۰۰۰) در شرایطی که تمرکز مالکیت وجود دارد، تضاد منافع بین مالکیت اکثریت و اقلیت به وجود می‌آید و لذا تصمیمات سهامداران اکثریت ممکن است منجر به انتقال منافع اقلیت به اکثریت شود (ابراهیمی کردلر، ۱۳۸۶، ۲۳). برادران و رضایی (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که توزیع مالکیت تأثیری بر محتوای اطلاعاتی سود ندارد (برادران و رضایی، ۱۳۸۷، ۱۶۷).

مدیریت و کیفیت گزارشگری مالی

مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به منظور مدیریت منابع آنها در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب می‌شوند. این ارتباط بین مالکان و نمایندگان، رابطه نمایندگی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه نمایندگی قراردادی است که به موجب آن، افراد و گروههای مختلف، فرد یا گروهی را به عنوان مباشر یا نماینده خود انتخاب می‌کنند و او را در جایگاه مسئول ارائه مجموعه‌ای از خدمات مشخص قرار می‌دهند. در راستای انجام وظایف نمایندگی، مدیران باید در مورد نحوه بکارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند و گزارشگری مالی از ابزارهای مهم پاسخگویی محسوب می‌شود. براساس مبانی نظری، کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از عوامل مرتبط با مدیریت تأثیر پذیرد که در ادامه، تشریح می‌شود.

ساختار هیئت مدیره: بیسلی^۵ (۱۹۹۶) معتقد است که مدیریت شرکت دو وظیفه مدیریت تصمیم و کنترل تصمیم را بر عهده دارد و نظارت بر کیفیت اطلاعات مالی که برای عموم منتشر می‌شود از وظایف کنترل تصمیم مدیریت

¹⁻ Shleifer

²⁻ Vishny

³⁻ La portal et al

⁴⁻ Johnson et al

⁵⁻ Beasley

محسوب می‌شود (Vafeas, 2000, 140). کلین^۱ (۱۹۹۸) مطالعه‌ای در مورد نقش مدیران موظف و غیرموظف در انجام وظایف مدیریت تصمیم و کنترل تصمیم مدیران انجام داد و شواهد اندکی در خصوص ارزشمند بودن حضور مدیران غیرموظف در کمیته‌های نظارتی از قبیل کمیته حسابرسی و نظارت بر کیفیت گزارشگری مالی بدست آورد (Ibid, 141). بیسلی (۱۹۹۶) ارزش نظارتی اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر کیفیت گزارشگری مالی را در نمونه‌ای از شرکتهایی که گزارشهای متقابانه منتشر کرده بودند مورد آزمون قرار داد و به این نتیجه رسید که احتمال تقلب در گزارشگری مالی دارای رابطه منفی با تعداد اعضای غیرموظف فعال در هیئت مدیره می‌باشد (Ibid, 143). در همین راستا، دیچو و دیگران^۲ (۱۹۹۶) ساختارهای نظارتی شرکتهای مشمول اقدامات قهری کمیسیون بورس و اوراق بهادار به دلیل تخطی از استانداردهای حسابداری و بیش نمایی سودها را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شرکتهای مزبور تحت تسلط اعضای موظف هیئت مدیره قرار دارند و بیشتر آنها فاقد کمیته‌های نظارتی می‌باشند (Ibid, 143). وفس^۳ (۲۰۰۰) رابطه ساختار هیئت مدیره و محتوای اطلاعاتی سود را مورد مطالعه قرار داد و شواهدی در خصوص تأثیر افزایش نسبت اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره بر بهبود کیفیت گزارشگری مالی بدست نیاورد (Ibid, 158). مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) بین ترکیب اعضای هیئت مدیره و کیفیت سود رابطه‌ای مشاهده نکردند (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵، ۲۵).

مالکیت اعضای هیئت مدیره: تئوری نمایندگی انواع مشکلات پیش رو در موضوع تفکیک مالکیت و مدیریت و مکانیزمهای مناسب برای مرتفع نمودن آن را توصیف می‌کند. از جمله این مشکلات، عدم تلاش مدیریت برای اقدام در جهت

¹- Klein

²- Dechow et al

³- Vafeas

بهترین منافع مالکان و همچنین عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان است. مالکیت سهام از مکانیزمهایی است که به نظر می‌رسد دارای آثار انگیزشی برای همسوسازی منافع مدیران و مالکان باشد. با این حال اگر سطح مالکیت اعضای هیئت مدیره اجازه تمرکز قدرت را به آنها بدهد و عوامل انگیزشی اندک باشد، دوباره تضاد منافع ایجاد می‌شود (Pergola et al, 2004, 9-11). مطالعه انجام شده توسط وارفیلد و دیگران^۱ (۱۹۹۵) نشان می‌دهد شرکتهایی که دارای میزان بالاتری از مالکیت مدیریتی هستند، سودهای آنها از قدرت توضیح‌دهندگی بالایی برای بازدهها برخوردار است و همچنین دارای حجم کمتری از تعدیلات اقلام تعهدی حسابداری می‌باشند (Wu, 2006, 3). تحقیق چنگ^۲ و وارفیلد (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که پاداشهای مبتنی بر سهام موجب انگیزش مدیران برای دستکاری ارقام گزارشهای مالی می‌شود (Ibid, 6). جنسن^۳ و مک‌لینگ^۴ (۱۹۷۶) اثبات می‌کنند هنگامی که مدیران دارای سهام اندکی در شرکت می‌باشند انگیزه رفتارهای غیرحداکثر کننده ارزش از قبیل کوتاهی در انجام وظایف و بدست آوردن منافع اضافی افزایش می‌یابد. انتظار می‌رود با افزایش سطح مالکیت مدیران، عملکرد مدیریت و کیفیت اطلاعات مالی بهبود یابد (Ibid, 5). بوشمن و دیگران^۵ (۲۰۰۳) بین بموقع بودن سودها و پاداشهای مبتنی بر سهام برای مدیران رابطه منفی پیدا کردند (Ibid, 3). یو^۶ (۲۰۰۶) نشان داد که با بالا رفتن میزان مالکیت، تمایل مدیریت به افشای اطلاعات بموقع و مربوط برای کاهش هزینه‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی افزایش می‌یابد (Ibid, 19-20). مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵) بین

¹-Varfield et al

²-Cheng

³-Jensen

⁴-Meckling

⁵-Bushman et al

⁶-Wu

میزان مالکیت اعضای هیئت مدیره و کیفیت سود رابطه‌ای مشاهده نکردند (مشایخ و اسماعیلی، ۱۳۸۵، ۲۵).

محافظه کاری مدیریت: محافظه کاری در بهترین حالت، با عدم اطمینان موجود در ارزیابیها برخورد بسیار ضعیفی دارد و در بدترین حالت، منجر به تحریف کامل اطلاعات حسابداری می‌شود (ثقفی و رضازاده، ۱۳۸۲، ۵). باسو^۱ (۱۹۹۷) نشان می‌دهد زمانی که بازده‌ها منفی هستند، رابطه بین سودهای جاری و بازده‌های جاری نسبت به زمانی که بازده‌ها مثبت هستند، قوی‌تر است که این موضوع مؤید عدم تقارن زمانی سودها در منظور نمودن اخبار بد در مقابل اخبار خوب می‌باشد (Fan & Zhang, 2005, 2). پنمن^۲ و ژنگک^۳ (۲۰۰۲) به صورت تجربی نشان می‌دهند که محافظه کاری در مورد حسابداری مخارج تحقیق و توسعه، تبلیغات و موجودیها منجر به کاهش کیفیت گزارشهای مالی می‌شود (Ibid, 2). چن^۴، هممر^۵ و ژنگک (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند هنگامی که حسابداری، هر دو وظیفه ارزیابی و انعقاد قرارداد را انجام می‌دهد، عامل محافظه کاری می‌تواند موجب کاهش مدیریت سود و بنابراین بهبود رفاه اجتماعی گردد (Ibid, 3). لو^۶ و زرووین^۷ (۱۹۹۹) معتقدند افزایش محافظه کاری دلیل احتمالی کاهش مربوط بودن اطلاعات است (Balachandran & Mohanram, 2004, 5). بالاچندران^۸ و موهرنم^۹ (۲۰۰۴) رابطه شاخصهای مختلف محافظه کاری و مربوط بودن اطلاعات مالی را مورد مطالعه قرار دادند و به استثنای خوش بینی خیلی زیاد که منجر به کاهش مربوط بودن اطلاعات

¹- Basu

²- Penman

³- Zhang

⁴- Chen

⁵- Hemmer

⁶- Lev

⁷- Zarowin

⁸- Balachandran

⁹- Mohanram

مالی می‌شود، شواهدی در خصوص تأثیر محافظه‌کاری بر مربوط بودن اطلاعات مالی پیدا نکردند (Ibid, 17-19).

کارایی مدیریت: مدیریت باید به عنوان نماینده مالکان، با تجزیه و تحلیل و درک اهداف سازمان تحت مسئولیت خود، منابع محدود را به بهترین نحو مورد استفاده قرار دهد. لورتی^۱ و گریس^۲ (۲۰۰۵) به مطالعه تأثیر کارایی مدیریت بر بحران مالی شرکتها در صنعت بیمه پرداختند و بین کارایی مدیریت و وخامت وضعیت مالی رابطه منفی پیدا کردند (Demerjian et al, 2006, 4). برترند^۳ و شعار^۴ (۲۰۰۳) دریافتند که مدیران در انتخابهای شرکت برای مواردی از قبیل تحصیل داراییها و مخارج تحقیق و توسعه، تأثیرگذار هستند (Ibid, 1). فرانسیس و دیگران^۵ (۲۰۰۶) رابطه شهرت مدیریت و کیفیت سود را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین میزان شهرت مدیریت ارشد اجرایی و کیفیت سود رابطه منفی وجود دارد. آنها معتقدند که هیئت مدیره، برای مدیریت محیطهای عملیاتی بسیار پیچیده و متغیر، مدیران مشهور و متخصص را به خدمت می‌گیرند و دلیل پایین بودن کیفیت سود این شرکتها، محیطهای عملیاتی متغیر و سایر ویژگیهایی درونی آنها و نه اقدامات مدیریت می‌باشد (Ibid, 3). درمیریان و دیگران^۶ (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که کیفیت سود (میزان ارتباط ارقام تعهدی با جریانهای نقدی) با افزایش توانایی مدیریتی بهبود می‌یابد؛ این مطالعه با کنترل خصوصیات منحصر به فرد شرکتها که بر آورد ارقام تعهدی را دشوار یا آسان می‌سازد (از قبیل چرخه عملیاتی و نوسانات فروش) و همچنین خصوصیات ساختاری (از قبیل استقلال هیئت مدیره و کیفیت کنترل داخلی) انجام گردیده

¹- Leverty

²- Grace

³- Bertrand

⁴- Schoar

⁵- Francis et al

⁶- Demerjian et al

است. یافته فوق از این ایده که مدیران توانمند سودهای با کیفیت تر تولید می کنند، حمایت می کند (Ibid, 21-22).

صداقت مدیریت: اطلاعات منعکس شده در گزارشهای مالی در معرض این مخاطره قرار دارند که آنچه را که مدعی نمایش آن هستند، کاملاً به طور صادقانه بیان نکنند. این بدان علت است که در تشخیص معاملات و سایر رویدادهایی که قصد اندازه گیری آن وجود دارد، یا در طراحی و بکارگیری روشهای اندازه گیری و ارائه ای که بتواند پیامهای مرتبط با آن معاملات و سایر رویدادها را انتقال دهد، موضوع انتخاب و اختیار عمل مطرح می باشد. موسن^۱ و داونز^۲ (۱۹۶۵) و گوردون^۳ (۱۹۶۴) معتقدند که مدیریت علاقه مند است سود و نرخ رشد آن دارای نوعی ثبات و به دور از نوسانات زیاد باشد و در صورت لزوم ممکن است با هدف گمراه ساختن بازار، به مدیریت اقلام گزارشهای مالی مبادرت نماید (ریاحی بلکویی، ۱۳۸۱، ۹۰). باروفا و دیگران^۴ (۲۰۰۶) نشان می دهند که مدیریت اقلام تعهدی به منظور محقق ساختن (یا تجاوز از) پیش بینی های تحلیل گران و سودهای ایده آل انجام می شود و انگیزه این رفتار در شرکت های با سودآوری بیشتر در مقایسه با شرکت های با سودآوری کمتر، بالاتر می باشد (Barua et al, 2006, 635). وفس (۲۰۰۰) با تعریف محتوای اطلاعاتی سود برای تبیین بازده به عنوان شاخص کیفیت سود، به این نتیجه رسید که ساختارهای مؤثر هیئت مدیره با محدود نمودن مدیریت اقلام تعهدی، موجب افزایش کیفیت سود می شود (Hermans, 2007, 36-37). چن و دیگران (۲۰۰۴) با تعریف محتوای اطلاعاتی سود برای تبیین بازده به عنوان کیفیت سود، دریافتند که بین میزان اقلام تعهدی و بازده های آتی سهام رابطه منفی وجود

¹- Mousen

²- Downs

³- Gordon

⁴-Barua et al

دارد. آنها همچنین نشان دادند که بخش غیراختیاری اقلام تعهدی، بازده‌های آتی سهام را پیش بینی نمی‌کند (Ibid, 38).

ویژگیهای شرکت و کیفیت گزارشگری مالی

هر شرکت از یک مجموعه ویژگیهایی برخوردار است که تا اندازه زیادی با نوع و ماهیت فعالیت آن در ارتباط می‌باشد. فعالیتهای تجاری مختلف از پیچیدگی، چرخه عملیاتی، ریسک، بازده، سرمایه، منابع مالی، اهداف و مأموریت‌های متفاوتی برخوردار هستند و بدیهی است که محیط اطلاعاتی و گزارشگری به میزان قابل ملاحظه‌ای متأثر از نوع فعالیت تجاری و ویژگیهای حاکم بر آن می‌باشد. بر اساس مبانی نظری، کیفیت گزارشگری مالی ممکن است از برخی از ویژگیهای شرکت تأثیر پذیرد که برخی از آنها در ادامه، تشریح می‌شود.

اندازه: گروهی از مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت دارد و دلایلی مانند برقراری سیستم کنترل داخلی کارآمد، ارتباط با مؤسسات بزرگ حسابرسی و رعایت هزینه اعتبار و شهرت را از عوامل اصلی آن تلقی می‌کنند. فلیسیس و دیگران (۱۹۹۹) تفاوت در کیفیت گزارشگری حسابرسی میان چهار مؤسسه حسابرسی بزرگ دنیا، مؤسسات ملی و مؤسسات محلی را نشان دادند. آنها همچنین اثبات نمودند که شرکتهای طرف حسابرسی چهار مؤسسه بزرگ دنیا سطوح پایین تری از اقلام تعهدی اختیاری را گزارش می‌کنند (Kim et al, 2003, 4). لناکس^۱ (۱۹۹۹) به این نتیجه رسید که گزارشهای حسابرسی صادر شده توسط مؤسسات بزرگ حسابرسی، دقیقتر و دارای محتوای اطلاعاتی بیشتری هستند که بیانگر وجود رابطه مثبت میان اندازه حسابرس و کیفیت و دقت حسابرسی می‌باشد (Ibid, 4). کوهن (۲۰۰۴) بین اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت یافت (Cohen, 2004, 45). گروه دیگری از

^۱- Lennox

مطالعات نشان می‌دهد که اندازه شرکت تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و برای این ادعا دلایل متعددی را بیان می‌کنند. نخست، شرکتهای بزرگ در مقایسه با شرکتهای کوچک در معرض فشارهای زیادی قرار دارند؛ دوم، شرکتهای بزرگ از قدرت چانه‌زنی بیشتری با حسابرسان برخوردار هستند؛ و سوم، شرکتهای بزرگ از امکان بیشتری برای استفاده از دامنه گسترده رویه‌های حسابداری برخوردار هستند. جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) استدلال می‌کنند که شرکتهای سهامی در معرض حملات سیاسی، مسئولیتهای اجتماعی و مقررات توزیع مجدد ثروت قرار دارند و از رویه‌های حسابداری به گونه‌ای استفاده می‌کنند که این تهدیدات را کاهش دهند. این فرضیه در تحقیقات واتر^۱ و زیمرمن^۲ (۱۹۷۸) مورد آزمون قرار گرفته است (Hagerman & Zmijewski, 1979, 142-143). بارتون^۳ و سیمکو^۴ (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکتهای بزرگ برای محقق ساختن انتظارات تحلیل‌گران تحت فشار زیادی قرار دارند (Kim et al, 2003, 5). مایرز^۵ و اسکینر^۶ (۲۰۰۲) شواهد تجربی را بدست آوردند مبنی بر اینکه شرکتهای بزرگ، گزارشهای مالی دقیق ارائه نمی‌دهند (Ibid, 5). نلسون و دیگران^۷ (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرکتهای بزرگ از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردار هستند و حسابرسان با احتمال زیادی از پایین بودن کیفیت گزارشهای مالی آنها چشم‌پوشی می‌کنند (Ibid, 5). نوروش و دیگران (۱۳۸۵) بین اندازه شرکت و کیفیت اقلام تعهدی رابطه‌ای مشاهده نکردند (نوروش و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۵۶).

¹-Watts

²-Zimmerman

³-Barton

⁴-Simko

⁵-Myers

⁶-Skinner

⁷-Nelson et al

سرمایه بر بودن فعالیت: ترکیب داراییهای جاری و غیرجاری بر محتوای اطلاعاتی اقلام صورتهای مالی تأثیر می‌گذارد. هلیس و دیگران (۱۹۹۹) معتقدند که برخی از ویژگیهای شرکت، محتوای اقلام تعهدی آن را تعیین می‌کنند. برای مثال، سرمایه‌بر بودن فعالیت شرکت باعث ایجاد اقلام تعهدی بلند مدت خواهد شد (Kim et al, 2003, 13). بورگ‌استالر^۱ و دیچو (۱۹۹۷) نشان می‌دهند شرکت‌هایی که به میزان زیادی داراییها و بدهیهای جاری دارند در مقایسه با شرکت‌هایی که داراییها و بدهیهای جاری اندکی دارند، برای پوشش دادن زیانها و آرایش گزارشهای مالی از گزینه‌ها و امکانات بیشتری برخوردار می‌باشند (Ibid, 13). هاگرمن^۲ و زیمسکی^۳ (۱۹۷۹) این فرض را مطرح می‌کنند که شرکت‌های سرمایه‌بر تابع هزینه‌های سیاسی بالایی هستند و با انتخاب رویه‌های حسابداری مقتضی، انگیزه گزارش سودهای پایین را خواهند داشت (Hagerman & Zmijewski, 1979, 143). پیوتراسکی (۲۰۰۳) معتقد است که سرمایه‌بر بودن فعالیت به عنوان مانع عمده ورود رقبا محسوب می‌شود. بالا بودن هزینه‌های ورود به بازار (که از طریق الزامات سرمایه‌ای مشخص می‌شود)، وضعیتی ایجاد می‌کند که بخش زیادی از مخارج سرمایه‌ای برای شرکت‌هایی که هم اکنون فعال هستند به عنوان مخارج ریخته می‌باشد اما برای رقبای بالقوه، مخارج مربوط برای تصمیم‌گیری محسوب می‌شود (Cohen, 2004, 21). کوهن (۲۰۰۴) بین سرمایه‌بر بودن فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت مشاهده نمود و در تحلیل این رابطه بیان می‌کند که شرکت‌های سرمایه‌بر به دلیل وجود موانع ورود، از گزارش اطلاعات مالی دقیق و شفاف احساس نگرانی نمی‌کنند و گزارشهای مالی آنها از کیفیت بالاتری برخوردار است (Cohen, 2004, 44).

¹-Burgstahler

²-Hagerman

³-Zmijewski

چرخه عملیاتی: طولانی بودن چرخه عملیاتی موجب طولانی شدن فاصله زمانی تبدیل ارقام تعهدی به جریانهای نقدی می شود که این امر موجب کاهش دقت پیش بینی ارقام تعهدی و کاهش کیفیت گزارشگری مالی می شود (Ibid, 25). گوئنتر^۱ (۱۹۹۴)، رنجن^۲ (۱۹۹۸) و تئو و دیگران^۳ (۱۹۹۸) نشان می دهند که ارقام تعهدی جاری، عامل اساسی در جابجایی سود بین دوره های جاری و آینده می باشند (Kim et al, 2003, 14) و طبقه بندی ارقام تعهدی به جاری و غیر جاری بستگی به تعریف چرخه عملیاتی دارد. دیچو و دیگران (۱۹۹۸) نشان می دهند که توانایی سودها برای پیش بینی جریانهای نقدی آینده به چرخه وجه نقد عملیاتی شرکت بستگی دارد (Cohen, 2004, 25). دیچو و دیچو^۴ (۲۰۰۲) بین کیفیت گزارشهای مالی و طول چرخه عملیاتی رابطه منفی پیدا کردند. به اعتقاد آنها چرخه عملیاتی طولانی تر نشان دهنده عدم اطمینان بیشتر، خطای در برآورد بیشتر و بنابراین کیفیت گزارشگری مالی پایین تر می باشد (Ibid, 25). کوهن (۲۰۰۴) بین طول چرخه عملیاتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی مشاهده کرد (Ibid, 68). نوروش و دیگران (۱۳۸۵) بین طول چرخه عملیاتی شرکت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه ای بدست نیاوردند (نوروش و دیگران، ۱۳۸۵، ۱۵۶).

اهرم مالی: جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) معتقدند که وجود هزینه های نمایندگی موجب تقاضا برای نظارت می شود و اطلاعاتی که صورتهای مالی یک شرکت فراهم می کند، ممکن است برای رفع هزینه های نمایندگی مورد استفاده واقع شود (Cohen, 2004, 24). لفت ویچ و دیگران^۵ (۱۹۸۱) بیان می کنند شرکت هایی که از اهرم بالایی برخوردار هستند دارای هزینه های نمایندگی بالاتر و بنابراین تقاضای

¹-Gunter

²-Rangan

³-Teo et al

⁴-Dichev

⁵-Leftwich et al

بیشتر برای نظارت می‌باشند و از این رو به نظر می‌رسد کیفیت گزارشگری مالی با ساختار تأمین مالی شرکت در ارتباط باشد (Ibid, 24). اسمیت^۱ و وارنر^۲ (۱۹۷۹) و لفت‌ویچ (۱۹۸۰) اشاره می‌کنند در حالی که تا قبل از قرن نوزدهم شواهد اندکی مبنی بر استفاده از گزارشهای مالی حسابرسی شده برای نظارت بر قراردادهای بدهی وجود داشت، اما امروزه شواهد فراوانی برای این موضوع وجود دارد. قراردادهای برای هر دو بدهی عمومی (یعنی بدهیهایی که به صورت عمومی مبادله می‌شود) و بدهی خصوصی شامل قراردادهایی است که ارقام گزارشهای مالی حسابرسی شده را برای محدود سازی اقدامات مدیریت مورد استفاده قرار می‌دهند. هرگونه تخطی از این قراردادهای یک نوع ناتوانی محسوب می‌شود که به اعتباردهنده، حق انجام اقدام قانونی در ارتباط با آن ناتوانی را می‌دهد. قراردادهای بدهی که مبتنی بر ارقام حسابداری می‌باشند برخی از انواع تصمیمات سرمایه‌گذاری و تأمین مالی کاهنده ارزش را برای شرکت استقراض کننده منع می‌کنند (Watts & Zimmerman, 1986, 210). بسیاری از تحقیقات از جمله دیکین^۳ (۱۹۷۹) و دالیوال^۴ (۱۹۸۰) نشان می‌دهد هر قدر نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام بالاتر باشد احتمال استفاده شرکت از رویه‌های حسابداری که منجر به افزایش سودهای مورد گزارش در دوره جاری می‌گردد افزایش می‌یابد (Ibid, 257). این یافته با نتیجه تحقیق هاگرمن و زیمسکی (۱۹۸۱) مطابقت دارد (Ibid, 256). بورگ استالر (۱۹۹۷) بیان می‌کند که اجتناب از زیان موجب کاهش هزینه بدهی می‌شود (Graham et al, 2005, 28). گراهام^۵، هاروی^۶ و رج‌گوپال (۲۰۰۵) دریافتند شرکتهایی که در آستانه تخطی از شرایط قراردادهای (یعنی دارای

¹-Smith

²-Warner

³-Deakin

⁴-Dhaliwal

⁵-Graham

⁶-Harvey

اهرم بالا یا غیرسودآور) هستند اهمیت بیشتری به روشهای حسابداری می‌دهند. آنها همچنین نشان دادند که فرضیه اثرگذاری قراردادهای بدهی بر کیفیت اطلاعات مالی در شرکت‌های خصوصی به میزان قوی‌تری پشتیبانی می‌شود (Ibid, 29). کوهن (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید شرکت‌هایی که از اهرم بالاتری برخوردار هستند با احتمال زیادی اطلاعات مالی را با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند (Cohen, 2004, 43-44).

پیچیدگی محیط فعالیت: رسالت یا مأموریت سازمان ایجاب می‌کند استراتژی‌ها دربارۀ ماهیت و دامنه فعالیت‌های کنونی و آتی آن بیندیشند و در عرصه رقابت و تغییرات فناوری، گام‌های لازم برای موفقیت و بقا را طی نمایند. استراتژی‌هایی مانند یکپارچگی عمودی به پایین، یکپارچگی عمودی به بالا، یکپارچگی افقی، رسوخ در بازار، توسعه بازار، توسعه محصول، تنوع همگون، تنوع ناهمگون، تنوع افقی، مشارکت و مواردی از این قبیل در پاسخ به تحولات محیط تجاری، حفظ موقعیت رقابتی و بهره‌مندی از مزیت‌های نسبی در بازار مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدیهی است با دگرگونی و پیچیده‌تر شدن محیط فعالیت شرکت‌ها نیازهای اطلاعاتی جدیدی به وجود می‌آید و با توجه به ویژگی‌های متفاوت حاکم بر فعالیت‌های مختلف، جمع‌آوری و نمایش نتایج آنها در مجموعه واحد گزارش‌های مالی، خواص اقلام آنها و ارتباط بین عناصر گزارش‌های مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و دچار ناهمگونی می‌کند. کوهن (۲۰۰۴) نشان داد که پیچیدگی محیط فعالیت شرکت با کیفیت گزارشگری مالی آن رابطه منفی دارد و موجب کاهش دقت پیش‌بینی‌کنندگی اجزای سود حسابداری برای جریانهای نقدی آینده می‌شود (Cohen, 2004, 25, 68).

فرضیه‌های تحقیق

الف. عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه

۱. بین میزان فرصت‌های رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۲. بین میزان رقابت در بازار محصول شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۳. بین میزان حاشیه سودآوری شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۴. بین میزان تمرکز مالکیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

ب. عوامل مربوط به مدیریت

۱. بین ساختار هیئت مدیره شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۲. بین میزان مالکیت اعضای هیئت مدیره شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۳. بین میزان محافظه کاری مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۴. بین میزان کارایی مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۵. بین میزان صداقت مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

ج. عوامل مربوط به ویژگیهای شرکت

۱. بین میزان اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۲. بین میزان سرمایه بر بودن فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۳. بین میزان چرخه عملیاتی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۴. بین میزان اهرم مالی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

۵. بین میزان پیچیدگی محیط فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پژوهشهای اثباتی حسابداری است که به صورت تجربی به شناسایی عوامل مرتبط با کیفیت گزارشگری مالی می‌پردازد. روش تحقیق علی-مقایسه‌ای و همبستگی می‌باشد. این روش تحقیق به محقق اجازه می‌دهد رابطه متغیرهای مختلف با یک پدیده را مورد آزمون قرار دهد و علل احتمالی وقوع و تغییرات آن را شناسایی و زمینه‌های ایجاد مدلهای و الگوهای تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها و رویدادها را فراهم نماید.

جامعه آماری و نمونه تحقیق

جامعه آماری این تحقیق شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. کیفیت اطلاعات و امکان دسترسی به اطلاعات گزارشهای مالی و اطلاعات بازار از جمله دلایل انتخاب جامعه آماری می‌باشد. با در نظر گرفتن ماهیت متغیرهای تحقیق، شرایط لازم جهت انتخاب نمونه به شرح زیر ارائه گردید:

۱. شرکت مورد نظر، قبل از تاریخ ۱۳۷۵/۱/۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته باشد.
 ۲. شرکت مورد نظر، سرمایه‌گذاری، بیمه و املاک نباشد.
 ۳. شرکت مورد نظر، در دوره زمانی تحقیق زیان‌ده نباشد.
 ۴. به منظور رعایت همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی، دوره مالی آن منتهی به پایان سال شمسی باشد.
 ۵. شرکت مورد نظر، در دوره زمانی تحقیق فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد معامله قرار گرفته باشد.
 ۶. اطلاعات مورد نظر این تحقیق در دسترس باشد.
- با اعمال شرایط فوق، تعداد ۶۵ شرکت از ۱۲ صنعت باقی ماند که تمام آنها به عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شدند.

دوره زمانی تحقیق

دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۵ می‌باشد. سال ۱۳۷۸ به این دلیل به عنوان شروع دوره تحقیق انتخاب شده است که رهنمودهای حسابداری ایران از ابتدای سال ۱۳۷۸ (و پس از آن، استانداردهای حسابداری از ابتدای سال ۱۳۸۰) لازم‌الاجرا و اطلاعات دوره تحقیق بر اساس آن تهیه شده است.

تعریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

کیفیت گزارشگری مالی: دقت اطلاعات مالی به عنوان معیار اندازه‌گیری کیفیت آن در نظر گرفته می‌شود. برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پس‌ماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریانهای نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل‌دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده می‌گردد (Barth et al, 2001, 36):

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta AR_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta AP_{i,t} + \beta_5 DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

که در آن:

CFO : جریان نقدی حاصل از عملیات

ΔAR : تغییر در حسابهای دریافتی

ΔINV : تغییر در موجودیها

ΔAP : تغییر در حسابهای پرداختنی و بدهیهای معوق

DEPR : هزینه استهلاک داراییهای ثابت مشهود و نامشهود

OTHER : خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$OTHER = OP - (CFO + \Delta AR + \Delta INV - \Delta AP - DEPR)$$

OP : سود عملیاتی

ε : مقدار خطا که فرض می‌شود دارای میانگین صفر و واریانس ثابت باشد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، قدرمطلق پس‌ماندها یعنی $RES = |e_{i,t+1}|$ می‌باشد. هر قدر پس‌ماندها کوچکتر باشد بیانگر دقت اطلاعات مالی و کیفیت بالای گزارشگری مالی می‌باشد. میانه پس‌ماندها به عنوان مرز تفکیک کیفیت اطلاعات در نظر گرفته می‌شود به این مفهوم که اگر پس‌ماندهای معادله، مساوی یا کمتر از میانه قدرمطلق پس‌ماندها باشد، گزارشگری مالی با کیفیت و در غیر اینصورت بی‌کیفیت فرض می‌شود.

فرصتهای رشد: داشتن فرصتهای سرمایه‌گذاری در پروژه‌هایی که نرخهای بازدهی بالاتر از نرخ هزینه سرمایه شرکت ایجاد می‌کنند. این متغیر از طریق ضریب قیمت به عایدات به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$GROP_{i,t} = \frac{P_t}{E_t}$$

که در آن:

P: قیمت بازار سهام - E: سود هر سهم

رقابت در بازار محصول: چگونگی تقسیم بازار بین واحدهای تجاری موجود در صنعت. این متغیر از طریق شاخص هرfindahl - هیرشمن^۱ به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$PRMC_{i,t} = \sum_{i=1}^n (Sale_{ij,t} / SALE_{j,t})^2$$

که در آن:

Sale: فروش شرکت در صنعت

SALE: مجموع فروش تمام شرکتها در صنعت

^۱-Herfindahl-Hirschman Index

حاشیه سود آوری: میزان حاشیه سود ناخالص. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$PROF_{i,t} = (SALE_{i,t} - COGS_{i,t}) / SALE_{i,t}$$

که در آن:

SALE: فروش

COGS: بهای تمام شده فروش

تمرکز مالکیت: نحوه توزیع مالکیت شرکت بین سهامداران. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$OWCO_{i,t} = PSHHLFO_{i,t}$$

که در آن:

PSHHLFO: درصد سهام نگهداری شده توسط پنج مالک بزرگ شرکت

ساختار هیئت مدیره: ترکیب اعضای هیئت مدیره از لحاظ موظف یا غیر موظف بودن. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$BODS_{i,t} = (OUTDIR_{i,t} / TOTALDIR_{i,t}) \times 100$$

که در آن:

OUT DIR: تعداد اعضای غیر موظف هیئت مدیره

TOTAL DIR: مجموع تعداد اعضای هیئت مدیره

مالکیت اعضای هیئت مدیره: سهم مالکیت اعضای هیئت مدیره از شرکت.

این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$BODO_{i,t} = (DIRSTOCKS_{i,t} / TOTALSTOCKS_{i,t}) \times 100$$

که در آن:

DIR STOCKS: تعداد سهام تحت مالکیت اعضای هیئت مدیره

TOTAL STOCKS: مجموع تعداد سهام در جریان شرکت

محافظه کاری مدیریت: واکنش احتیاط آمیز مدیریت در برابر ابهامات موجود. این متغیر از طریق شاخص گیولی^۱ و هین^۲ به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$MACO_{i,t} = (-1/3) \times \sum_{j=0}^2 [(OP_{t-j} + DEPR_{t-j} - CFO_{t-j}) / TA_{t-j}]$$

که در آن:

OP : سود عملیاتی

DEPR : هزینه استهلاک داراییهای ثابت مشهود و نامشهود

CFO : جریان نقدی حاصل از عملیات

TA : مجموع داراییها

کارایی مدیریت: توانایی مدیریت در استفاده از منابع محدود برای نیل به اهداف شرکت. این متغیر از طریق شاخص دمرجیان^۳ و با استفاده از تحلیل پوششی داده ها به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$MAEF_{i,t} = [SALE_{i,t} / (COGS_{i,t} + SG \& A_{i,t} + DEPR_{i,t} + R \& D_{i,t})]$$

که در آن:

SALE : فروش

COGS : بهای تمام شده فروش

¹-Givoly

²-Hayn

³-Demetjian

SG&A: هزینه‌های عمومی، اداری و فروش

DEPR: هزینه استهلاک داراییهای ثابت مشهود و نامشهود

R&D: هزینه تحقیق و توسعه

صداقت مدیریت: نمایش صادقانه اطلاعات در گزارشهای مالی. این متغیر با استفاده از میزان اقلام تعهدی غیرعادی گزارشهای مالی و از طریق شاخص تعدیل شده جونز به صورت زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$TA_{i,t} = \beta_1(1/A_{i,t-1}) + \beta_2(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) + \beta_3 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

TA: مجموع اقلام تعهدی

A: مجموع داراییها

ΔREV : تغییرات درآمد فروش

ΔREC : تغییرات حسابهای دریافتی تجاری

PPE: ناخالص داراییهای ثابت مشهود

ε : خطای برآورد

$$TA_{i,t} = OP_{i,t} - CFO_{i,t}$$

که در آن:

OP: سود عملیاتی

CFO: جریان نقدی حاصل از عملیات

اقلام تعهدی غیرعادی به صورت قدرمطلق پس ماندهای مدل رگرسیون اقلام تعهدی می‌باشد و به عنوان شاخص معکوسی از صداقت مدیریت در گزارشگری مالی تعریف می‌شود.

اندازه: لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$SIZE_{i,t} = \ln(N_{i,t} \times P_{i,t})$$

که در آن:

N: تعداد سهام در جریان شرکت

P: قیمت سهام شرکت

سرمایه بر بودن فعالیت: میزان نیاز فعالیت شرکت به سرمایه گذاری در داراییهای سرمایه ای. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$CAIN_{i,t} = NFA_{i,t} / TA_{i,t}$$

که در آن:

NFA: خالص داراییهای ثابت مشهود

TA: مجموع داراییها

چرخه عملیاتی: تعداد روزهایی که وجه نقد در چرخه فعالیت شرکت به مواد اولیه، کالای نیمه ساخته و کالای ساخته شده تبدیل، و از طریق فروش کالا، ایجاد مطالبات و وصول آن، دوباره به وجه نقد تبدیل می شود.

$$OPCY_{i,t} = \frac{(RM_{i,t} + RM_{i,t-1})/2}{COGP_{i,t}/360} + \frac{(INV_{i,t} + INV_{i,t-1})/2}{COGS_{i,t}/360} + \frac{(AR_{i,t} + AR_{i,t-1})/2}{SALE_{i,t}/360}$$

که در آن:

RM: موجودی مواد اولیه

COGP: بهای تمام شده تولید

INV: موجودی کالا

COGS: بهای تمام شده فروش

AR : حسابهای دریافتی تجاری

SALE : فروش

اهرم مالی: میزان استفاده از بدهی در ساختار سرمایه شرکت. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$FILE_{i,t} = TL_{i,t} / TA_{i,t}$$

که در آن:

TL : مجموع بدهیها

TA : مجموع داراییها

پیچیدگی محیط فعالیت: تعداد حوزه های فعالیت شرکت. این متغیر به صورت زیر اندازه گیری می شود:

$$COBU_{i,t} = NSEG_{i,t}$$

که در آن:

NSEG : در صورتی که تعداد بخشهای موضوع فعالیت بیشتر از یک بخش باشد برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر می باشد.

روش آزمون فرضیه های تحقیق

برای آزمون فرضیه ها از آزمونهای تک متغیره شامل آزمون همبستگی و آزمون تفاوت میانگین ها و آزمونهای چندمتغیره طبقه بندی شده و یکپارچه بر مبنای مدل پروبیت استفاده می شود. این مدل زمانی مورد استفاده واقع می شود که متغیر وابسته به صورت مجازی باشد و به دو گروه (دارای ویژگی معین و فاقد ویژگی معین) تقسیم گردد، اما متغیرهای توضیحی می تواند کمی، کیفی یا ترکیبی از هر دو باشد. متغیر وابسته در این تحقیق، کیفیت گزارشگری مالی است که گزارشهای مالی به

دو گروه گزارشهای مالی با کیفیت و گزارشهای مالی بی کیفیت تقسیم گردیده است.

یافته‌های تحقیق

نتایج آزمونهای تک متغیره

نگاره ۱ نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن را نشان می‌دهد. بر طبق نگاره ۱ کیفیت گزارشگری مالی با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت رابطه همبستگی منفی و با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریتی رابطه همبستگی مثبت دارد. بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصتهای رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت و اهرم مالی رابطه همبستگی معنی داری مشاهده نگردید.

نگاره ۱: آزمون همبستگی اسپیرمن

متغیر	علامت اختصاری	ضریب همبستگی	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
فرصتهای رشد	GROP	-0.072	0.127	عدم رد فرضیه H_0
رقابت در بازار محصول	PRMC	-0.515	0.000	عدم رد فرضیه H_1
حاشیه سودآوری	PROF	0.307	0.000	عدم رد فرضیه H_1
تمرکز مالکیت	OWCO	0.078	0.116	عدم رد فرضیه H_0
ساختار هیئت مدیره	BODS	0.077	0.118	عدم رد فرضیه H_0
مالکیت اعضای هیئت مدیره	BODO	0.025	0.608	عدم رد فرضیه H_0
محافظه کاری مدیریت	MACO	-0.253	0.000	عدم رد فرضیه H_1
کارایی مدیریت	MAEF	0.673	0.000	عدم رد فرضیه H_1
صداقت مدیریت	MAFA	-0.039	0.431	عدم رد فرضیه H_0
اندازه	SIZE	-0.282	0.000	عدم رد فرضیه H_1
سرمایه بر بودن فعالیت	CAIN	-0.249	0.000	عدم رد فرضیه H_1
چرخه عملیاتی	OPCY	-0.228	0.000	عدم رد فرضیه H_1
اهرم مالی	FILE	-0.044	0.370	عدم رد فرضیه H_0
پیچیدگی محیط فعالیت	COBU	-0.264	0.000	عدم رد فرضیه H_1

نگاره ۲ نتایج آزمون تفاوت میانگینها را نشان می‌دهد. بر طبق نگاره ۲ بین شرکتهای دارای گزارشهای مالی با کیفیت و شرکتهای دارای گزارشهای مالی بی کیفیت از لحاظ رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت تفاوت منفی و از لحاظ حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت تفاوت مثبت وجود دارد. بین شرکتهای دارای گزارشهای مالی با کیفیت و شرکتهای دارای گزارشهای مالی بی کیفیت از لحاظ فرصتهای رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت و اهرم مالی تفاوت معنی داری مشاهده نگردد.

نگاره ۲: آزمون مقایسه میانگین رتبه گروههای نمونه (آزمون کروسکال - والیس)

نتیجه آزمون	سطح معنی داری	آماره کای دو	رتبه میانگین گروهها		علامت اختصاری	متغیر
			گزارشگری مالی بی کیفیت	گزارشگری مالی با کیفیت		
H_0 عدم رد فرضیه	0.127	2.219	213.87	197.13	GROP	فرصتهای رشد
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	108.637	266.46	144.54	PRMC	رقابت در بازار محصول
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	38.447	169.21	241.79	PROF	حاشیه سودآوری
H_0 عدم رد فرضیه	0.116	2.468	196.31	214.69	OWCO	تمرکز مالکیت
H_0 عدم رد فرضیه	0.118	2.441	196.49	214.51	BODS	ساختار هیئت مدیره
H_0 عدم رد فرضیه	0.608	0.263	202.50	208.50	BODO	مالکیت اعضای هیئت مدیره
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	26.120	235.41	175.59	MACO	محافظه کاری مدیریت
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	185.072	125.89	285.11	MAEF	کارایی مدیریت
H_0 عدم رد فرضیه	0.430	0.623	209.5	201.50	MAFA	صداقت مدیریت
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	32.581	238.90	172.10	SIZE	اندازه
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	25.321	234.95	176.05	CAIN	سرمایه بر بودن فعالیت
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	21.247	232.48	178.52	OPCY	چرخه عملیاتی
H_0 عدم رد فرضیه	0.369	0.807	210.76	200.24	FILE	اهرم مالی
H_1 عدم رد فرضیه	0.000	28.413	232.50	178.50	COBU	پیچیدگی محیط فعالیت

نتایج آزمونهای چندمتغیره

نگاره ۳ نتایج برازش مدل پروبیت برای آزمون تأثیر عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان می‌دهد. بر طبق این نگاره، از طبقه عوامل مربوط به هزینه‌های محرمانه، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری و تمرکز مالکیت به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد اما ضریب متغیر فرصتهای رشد معنی‌دار نیست.

نگاره ۳: الگوی مربوط به تأثیر هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معنی‌داری
فرصتهای رشد	GROP	-0.002	-1.096	0.272
رقابت در بازار محصول	PRMC	-6.524	-8.563	0.000
حاشیه سودآوری	PROF	3.183	5.590	0.000
تمرکز مالکیت	OWCO	0.989	2.734	0.006
مقدار ثابت	C	3.962	5.413	0.000
آماره LR	128.292	آماره H-L	13.190	
سطح معنی‌داری آماره LR	0.000	سطح معنی‌داری آماره H-L	0.105	
ضریب تعیین مک فادن	0.225	آماره اندروز	14.734	
میانگین توزیع جملات پس ماند	0.000	سطح معنی‌داری آماره اندروز	0.142	
انحراف معیار توزیع جملات پس ماند	0.999			

آماره LR مربوط به الگوی تأثیر هزینه‌های محرمانه بر کیفیت گزارشگری مالی برابر با 128.292 و سطح معنی‌داری آن برابر با 0.000 است و بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا نمود که این الگو معنی‌دار و از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین مک فادن این الگو برابر با 0.225 می‌باشد و این بدان معنی است که متغیرهای مربوط به هزینه‌های محرمانه، توان تبیین 0.225 از

تغییرات کیفیت گزارشگری مالی را دارند. نتایج آزمون نیکویی برازش (آزمونهای H-L و اندروز) نیز نشان می‌دهد که الگوی مزبور از برازش چندان مناسبی برخوردار نیست. آزمون توزیع جملات پس ماند نشان می‌دهد که جملات پس ماند این الگو از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

نگاره ۴ نتایج برازش مدل پروبیت برای آزمون تأثیر عوامل مربوط به مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان می‌دهد. بر طبق این نگاره، از طبقه عوامل مربوط به مدیریت، محافظه کاری مدیریت و کارایی مدیریت به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد اما ضریب متغیرهای ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره و صداقت مدیریت معنی دار نیست.

نگاره ۴: الگوی مربوط به تأثیر عوامل مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
ساختار هیئت مدیره	BODS	0.461	1.328	0.184
مالکیت اعضای هیئت مدیره	BODO	0.509	1.340	0.180
محافظه کاری مدیریت	MACO	-1.446	-2.715	0.006
کارایی مدیریت	MAEF	2.381	9.172	0.000
صداقت مدیریت	MAFA	-0.061	-0.453	0.650
مقدار ثابت	C	-3.806	-7.584	0.000
آماره LR	117.347	آماره H-L	6.692	
سطح معنی داری آماره LR	0.000	سطح معنی داری آماره H-L	0.570	
ضریب تعیین مک فادن	0.206	آماره اندروز	8.208	
میانگین توزیع جملات پس ماند	0.000	سطح معنی داری آماره اندروز	0.608	
انحراف معیار توزیع جملات پس ماند	1.001			

آماره LR مربوط به الگوی تأثیر عوامل مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی برابر با 117.347 و سطح معنی داری آن برابر با 0.000 است و بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می‌توان ادعا نمود که این الگو معنی دار و از اعتبار لازم برخوردار

می‌باشد. همچنین ضریب تعیین مک‌فادن این الگو برابر با 0.206 می‌باشد و این بدان معنی است که متغیرهای مربوط به مدیریت، توان تبیین 0.206 از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی را دارند. نتایج آزمون نیکویی برازش (آزمونهای H-L و اندروز) نیز نشان می‌دهد که الگوی مزبور از برازش خوبی برخوردار است. آزمون توزیع جملات پس‌ماند نشان می‌دهد که جملات پس‌ماند این الگو از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

نگاره ۵ نتایج برازش مدل پرویت برای آزمون تأثیر عوامل مربوط به ویژگیهای شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان می‌دهد. بر طبق این نگاره، از طبقه عوامل مربوط به ویژگیهای شرکت، اندازه، سرمایه‌بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی، اهرم مالی و پیچیدگی محیط فعالیت به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

نگاره ۵: الگوی مربوط به تأثیر ویژگیهای شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معنی‌داری
اندازه	SIZE	-0.301	-5.781	0.000
سرمایه بر بودن فعالیت	CAIN	-2.374	-4.552	0.000
چرخه عملیاتی	OPCY	-0.003	-5.125	0.000
اهرم مالی	FILE	-0.735	-2.137	0.032
پیچیدگی محیط فعالیت	COBU	-0.577	-4.198	0.000
مقدار ثابت	C	9.999	6.661	0.000
آماره LR	107.250	آماره H-L	5.282	
سطح معنی‌داری آماره LR	0.000	سطح معنی‌داری آماره H-L	0.727	
ضریب تعیین مک‌فادن	0.188	آماره اندروز	6.097	
میانگین توزیع جملات پس‌ماند	0.000	سطح معنی‌داری آماره اندروز	0.807	
انحراف معیار توزیع جملات پس‌ماند	1.000			

آماره LR مربوط به الگوی تأثیر ویژگیهای شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی برابر با 107.250 و سطح معنی داری آن برابر با 0.000 است و بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان ادعا نمود که این الگو معنی دار و از اعتبار لازم برخوردار می باشد. همچنین ضریب تعیین مکفادن این الگو برابر با 0.188 می باشد و این بدان معنی است که متغیرهای مربوط به ویژگیهای شرکت، توان تبیین 0.188 از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی را دارند. نتایج آزمون نیکویی برازش (آزمونهای H-L و اندروز) نیز نشان می دهد که الگوی مزبور از برازش خوبی برخوردار است. آزمون توزیع جملات پس ماند نشان می دهد که جملات پس ماند این الگو از توزیع نرمال برخوردار می باشد.

نگاره ۶ نتایج برازش مدل پروبیت برای آزمون یکپارچه تأثیر عوامل مربوط به هزینه های محرمانه، مدیریت، و ویژگیهای شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی را نشان می دهد. بر طبق این نگاره، از عوامل یکپارچه، رقابت در بازار محصول، حاشیه سودآوری، تمرکز مالکیت، کارایی مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت و چرخه عملیاتی به عنوان متغیرهای تأثیر گذار بر کیفیت گزارشگری مالی می باشد اما ضریب متغیرهای فرصتهای رشد، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، محافظه کاری مدیریت، صداقت مدیریت، اهرم مالی و پیچیدگی محیط فعالیت معنی دار نیست.

نگاره ۶: الگوی یکپارچه تعیین عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی

متغیر	علامت اختصاری	ضریب	آماره Z	سطح معنی داری
فرصتهای رشد	GROP	-0.001	-1.392	0.163
رقابت در بازار محصول	PRMC	-5.741	-5.918	0.000
حاشیه سودآوری	PROF	4.179	5.089	0.000
تمرکز مالکیت	OWCO	1.537	3.022	0.002
ساختار هیئت مدیره	BODS	0.248	0.582	0.560
مالکیت اعضای هیئت مدیره	BODO	0.125	0.232	0.816
محافظه کاری مدیریت	MACO	-0.140	-0.188	0.850
کارایی مدیریت	MAEF	2.166	6.820	0.000
صداقت مدیریت	MAFA	-0.035	-0.211	0.832
اندازه	SIZE	-0.385	-5.508	0.000
سرمایه بر بودن فعالیت	CAIN	-2.036	-3.418	0.000
چرخه عملیاتی	OPCY	-0.003	-4.174	0.000
اهرم مالی	FILE	-0.486	-0.882	0.377
پیچیدگی محیط فعالیت	COBU	-0.139	-0.785	0.432
مقدار ثابت	C	11.335	5.274	0.000
آماره LR	268.405	آماره H-L	5.431	
سطح معنی داری آماره LR	0.000	سطح معنی داری آماره H-L	0.710	
ضریب تعیین مک فادن	0.472	آماره اندروز	8.289	
میانگین توزیع جملات پس ماند	0.001	سطح معنی داری آماره اندروز	0.600	
انحراف معیار توزیع جملات پس ماند	1.001			

آماره LR مربوط به الگوی یکپارچه تعیین عوامل مؤثر بر کیفیت گزارشگری مالی برابر با 268.405 و سطح معنی داری آن برابر با 0.000 است و بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان ادعا نمود که این الگو معنی دار و از اعتبار لازم

برخوردار می‌باشد. همچنین ضریب تعیین مک‌فادن این الگو برابر با 0.472 می‌باشد و این بدان معنی است که متغیرهای مربوط به هزینه‌های محرمانه، مدیریت و ویژگیهای شرکت، در مجموع توان تبیین 0.472 از تغییرات کیفیت گزارشگری مالی را دارند. نتایج آزمون نیکویی برازش (آزمونهای H-L و اندروز) نیز نشان می‌دهد که الگوی مزبور از برازش خوبی برخوردار است. آزمون توزیع جملات پس ماند نشان می‌دهد که جملات پس ماند این الگو از توزیع نرمال برخوردار می‌باشد.

در هر یک از الگوهای برازش شده، پس از محاسبه مقدار متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی) که در ازای مقادیر معینی از متغیرهای مستقل انجام می‌شود، به جدول توزیع احتمال نرمال استاندارد (CDF) مراجعه می‌شود و احتمال مربوط به آن (گزارشگری مالی با کیفیت) برای دوره آینده بدست می‌آید. به علت وجود همبستگی بین متغیرهای مستقل و حذف برخی از آنها در آزمونهای چندمتغیره، بررسی تطبیقی یافته‌ها، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات بر اساس نتایج آزمونهای تک‌متغیره فرضیه‌ها انجام می‌شود. بررسی تطبیقی یافته‌ها به طور خلاصه در نگاره ۷ ارائه شده است.

نگاره ۷: بررسی تطبیقی یافته‌های تحقیق

مغایرت	مطابقت	نتیجه آزمون
-	کوهن (۲۰۰۴) کدخدایی و صابری (۱۳۸۱)	بین میزان فرصتهای رشد شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.
دروگ و استاگتون (۱۹۹۰) هریس (۱۹۹۸) کوهن (۲۰۰۴)	ورکچیا (۱۹۸۳)	بین میزان رقابت در بازار محصول شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.
پیوتراسکی (۲۰۰۳) کوهن (۲۰۰۴)	لنگ و لاند هولم (۱۹۹۳)	بین میزان حاشیه سودآوری شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت وجود دارد.
کوهن (۲۰۰۴)	برادران و رضایی (۱۳۸۷)	بین میزان تمرکز مالکیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.

نتیجه آزمون	مطابقت	مغایرت
بین ساختار هیئت مدیره شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.	کلین (۱۹۹۸) وفس (۲۰۰۰) مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵)	بیسلی (۱۹۹۶) دیچو و دیگران (۱۹۹۶)
بین میزان مالکیت اعضای هیئت مدیره شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.	مشایخ و اسماعیلی (۱۳۸۵)	جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) وارفیلد و دیگران (۱۹۹۵) یو (۲۰۰۶)
بین میزان محافظه کاری مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.	لو و زرووین (۱۹۹۹) پنمن و ژنگ (۲۰۰۲)	باسو (۱۹۹۷) چن و دیگران (۲۰۰۵) بالاچندران و موهنرم (۲۰۰۴)
بین میزان کارایی مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت وجود دارد.	دمرجیان و دیگران (۲۰۰۶)	-
بین میزان صداقت مدیریت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.	-	وفس (۲۰۰۰) چن و دیگران (۲۰۰۴)
بین میزان اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.	واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) مایرز و اسکینر (۲۰۰۲) نلسون و دیگران (۲۰۰۲)	کوهن (۲۰۰۴) نوروش و دیگران (۱۳۸۵)
بین میزان سرمایه بر بودن فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.	هاگرمین و زیمسکی (۱۹۷۹)	کوهن (۲۰۰۴)
بین میزان چرخه عملیاتی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.	دیچو و دیگران (۱۹۹۸) دیچو و دیچو (۲۰۰۲) کوهن (۲۰۰۴)	نوروش و دیگران (۱۳۸۵)
بین میزان اهرم مالی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه وجود ندارد.	-	دیکین (۱۹۷۹) دالیوال (۱۹۸۰) هاگرمین و زیمسکی (۱۹۸۱) کوهن (۲۰۰۴) گراهام و دیگران (۲۰۰۵)
بین میزان پیچیدگی محیط فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی وجود دارد.	کوهن (۲۰۰۴)	-

نتیجه گیری

نتایج آزمونهای تک متغیره فرضیه‌ها نشان می‌دهد کیفیت گزارشگری مالی (محتوای اطلاعاتی اجزای سود عملیاتی حسابداری برای پیش بینی جریانهای نقدی

عملیاتی آینده) با حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت رابطه مثبت و با رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت رابطه منفی دارد. در آزمونهای تک متغیره بین کیفیت گزارشگری مالی با فرصتهای رشد، تمرکز مالکیت، ساختار هیئت مدیره، مالکیت اعضای هیئت مدیره، صداقت مدیریت و اهرم مالی رابطه ای مشاهده نگردید. همچنین با استفاده از آزمونهای چندمتغیره طبقه بندی شده و یکپارچه پروبیت، الگوهایی ارائه گردید که از طریق عوامل مرتبط با هزینه های محرمانه، مدیریت، و ویژگیهای شرکت، هم به صورت مجزا و هم به صورت یکپارچه، امکان پیش بینی کیفیت گزارشگری مالی برای دوره آینده را به ترتیب با توان تبیین ۲۲/۵ درصد، ۲۰/۶ درصد، ۱۸/۸ درصد و ۴۷/۲ درصد فراهم می کند. این الگوها مبتنی بر توزیع احتمال نرمال استاندارد (CDF) است و احتمال گزارشگری مالی با کیفیت برای دوره آینده را برآورد می کند.

پیشنهادات حاصل از تحقیق

الف. استفاده کنندگان گزارشهای مالی

- در اتخاذ تصمیمات اقتصادی، حاشیه سودآوری و کارایی مدیریت را به عنوان عوامل مثبت و رقابت در بازار محصول، محافظه کاری مدیریت، اندازه، سرمایه بر بودن فعالیت، طول چرخه عملیاتی و پیچیدگی محیط فعالیت را به عنوان عوامل منفی تأثیرگذار بر کیفیت گزارشهای مالی مد نظر قرار دهند.

ب. مدیران شرکتهای

- هر شرکتی در دو بازار مختلف رقابت می کند: مشتریان و تأمین کنندگان سرمایه. به منظور بقا در بازار رقابت محصول و تأمین سرمایه، به الزامات و خواسته های هر دو بازار توجه لازم را مبذول نمایند.
- اعضای غیرموظف هیئت مدیره استقلال خود را حفظ و نقش نظارتی بر کیفیت گزارشگری مالی را به نحو بهینه ایفا نمایند.

- گزارشهای مالی را بدون اعمال رویکرد محافظه کارانه تهیه نمایند.
- از منابع اقتصادی تحت کنترل خود در جهت حداکثر منافع شرکت به نحو بهینه استفاده نمایند.

ج. سازمان بورس اوراق بهادار

- در تدوین مکانیزمهای درونی حاکمیت شرکتی به تفکیک دقیق وظایف اعضای موظف و غیرموظف هیئت مدیره و تأکید بر نقش نظارتی مدیران غیرموظف بر گزارشگری مالی توجه لازم را مبذول نمایند.
- عوامل موثر بر کیفیت گزارشگری مالی را معرفی و تبیین و به عنوان ابزاری جهت درجه بندی شرکتهای استفاده نمایند.

د. کمیته تدوین استانداردهای حسابداری

- در تدوین الزامات شناخت و اندازه گیری در گزارشگری مالی از اتخاذ رویکرد محافظه کارانه اجتناب کنند.
- در تدوین الزامات گزارشگری مالی به اندازه شرکتهای (کوچک، متوسط و بزرگ) و تفاوت صنایع (الزامات سرمایه ای زیاد و اندک) توجه لازم را مبذول نمایند.
- در مورد تفکیک اقلام جاری و غیرجاری تحقیقات بیشتری انجام دهند زیرا چرخه عملیاتی طولانی تر از یک سال موجب گسستن ارتباط میان اقلام تعهدی دوره جاری و جریانهای نقدی دوره آینده می شود.

ه. بانکها و مؤسسات اعتباری

- به منظور کاهش مشکلات نمایندگی و تضییع حقوق، نظارت قبل و بعد از انعقاد قراردادهای بدهی بر شرکت و گزارشگری مالی را مورد توجه قرار دهند تا ریسک برگشت سرمایه، کاهش و منابع مالی به کاراترین بخشهای اقتصاد تخصیص یابد.

پیشنهادات برای تحقیقات آتی

۱. انجام این تحقیق در آینده با دوره زمانی طولانی تر به منظور بهبود اعتبار یافته‌های تحقیق
۲. بررسی تأثیر استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی
۳. بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی مستقل و حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی
۴. بررسی رابطه خدمات غیرحسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی
۵. بررسی رابطه شاخصهای ریسک بنیادی و کیفیت گزارشگری مالی
۶. بررسی تأثیر وابستگی مالی بر کیفیت گزارشگری مالی سازمانهای غیرانتفاعی

محدودیتهای تحقیق

- ۱ - سری زمانی مورد استفاده در این تحقیق شامل سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵ می باشد و انتخاب این دوره زمانی به منظور کنترل تأثیر استانداردهای حسابداری بر کیفیت گزارشهای مالی بوده است زیرا استانداردهای حسابداری از ابتدای سال ۱۳۷۸ لازم الاجرا شده است. استفاده از دوره زمانی طولانی تر ممکن است نتایج متفاوتی ارائه نماید.
- ۲ - محدودیت دسترسی به اطلاعات مالی شرکتها موجب گردید تا برای انجام تحقیق از شرکتهای سهامی عام پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران استفاده گردد. بنابراین نتایج تحقیق در مورد سایر انواع شرکتهای تجاری کاربرد نخواهد داشت.
- ۳ - در این تحقیق از محتوای اطلاعاتی اجزای سود عملیاتی حسابداری برای پیش‌بینی جریانهای نقدی آینده به عنوان شاخص اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است. بکارگیری شاخصهای دیگر برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی ممکن است نتایج متفاوتی ارائه نماید.

۴- با توجه به شاخص تعیین شده برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی، نمونه تحقیق تنها شامل شرکت‌های سودده می‌باشد. بنابراین استفاده از نتایج تحقیق برای ارزیابی و پیش‌بینی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های زیان‌ده ممکن است نتایج متفاوتی ارائه نماید.

۵- با توجه به ماهیت متغیرها و نیز محدودیت تعداد شرکت‌های واجد شرایط تحقیق، انتخاب نمونه به صورت حذفی و نه تصادفی انجام شده است و این موضوع می‌تواند از محدودیت‌های تحقیق برای تعمیم نتایج باشد.

۶- اقلام صورتهای مالی به واسطه آثار تورم تعدیل نشده است و این موضوع ممکن است بر نتایج تحقیق تأثیر بگذارد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- :
- ابراهیمی کردلر، علی (۱۳۸۶)، «نظام راهبری شرکت و نقش سهامداران نهادی در آن»، دانش و پژوهش حسابداری، سال سوم، شماره ۸.
 - برادران، رسول و عباس رضایی (۱۳۸۷)، «بررسی تأثیر ترکیب سهامداران بر محتوای اطلاعاتی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز.
 - بولو، قاسم (۱۳۸۶)، «هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگیهای سود»، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
 - ثقفی، علی و جواد رضازاده (۱۳۸۲)، «زمینه فرهنگی رفتار حرفه‌ای حسابداران»، مطالعات حسابداری، شماره ۱.
 - ریاحی بلکویی، احمد (۲۰۰۰)، ترجمه: علی پارسایان (۱۳۸۱)، «تئوری‌های حسابداری»، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
 - شباهنگ، رضا (۱۳۸۱)، «تئوری حسابداری»، جلد اول، چاپ اول، انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.
 - کمیته تدوین استانداردهای حسابداری (۱۳۸۶)، «استانداردهای حسابداری»، چاپ نهم، انتشارات سازمان حسابرسی، تهران.
 - مشایخ، شهناز و مریم اسماعیلی (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه بین کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵.
 - نوروش، ایرج، امین ناظمی و مهدی حیدری (۱۳۸۵)، «کیفیت اقلام تعهدی و سود با تأکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۳.
- Abdolmohammadi, M., R., Simnett, J. C., Thibodeau, and A. M. Wright, (2006), "Sell-Side Analyst's Reports and the Current External Reporting Model", Accounting Horizons 20, 4, 375-389.

-
- Balachandran, V. S., and P. S. Mohanram, (2004), "Conservatism and the Value Relevance of Financial Information", Working Paper, Columbia Business School.
 - Barth, M. E., D., Cram, and K., Nelson, (2001), "Accruals and the Prediction of Future Cash Flows", the Accounting Review 76,25-58.
 - Barua, A., J., Legoria, and J. S., Moffitt, (2006), "Accruals Management to Achieve Earnings Benchmarks: A Comparison of Pre-managed Profit and Loss Firms", Journal of Business Finance & Accounting 33(5) & (6), 653-670.
 - Cohen, A. D., (2004), "Financial Reporting Quality Choice: Determinants and Consequences", A Dissertation , Northwestern University.
 - Demerjian, P., B., Lev, and S., McVay, (2006), "Managerial Ability and Earnings Quality", AAA Annual Meeting, University of Michigan.
 - Fan,Q., and X. Zhang, (2005), "Conservatism and Accounting Information Quality", Working Paper, University of California.
 - FASB, (1978), "Objectives of Financial Reporting by Business Enterprise", Statement of Financial Accounting Concepts No. 1.
 - Graham, R. J., C. R., Harvey, and S., Rajgopal, (2005), "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting", Journal of Accounting & Economics 40, 3-73.
 - Hagerman, L. R., and E. M. Zmijewski, (1979), "Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice", Journal of Accounting & Economics 1, 141 - 161.
 - Hermans, S., (2007), "Financial Information and Earnings Quality: A Literature Review", Working Paper, University of Namur.

- IASCF, (2007), "A Guide through International Financial Reporting Standards", IASCF Publication Department, United Kingdom, London.
- Kim, Y., C. Liu, and S. G., Rhee, (2003), "The Effects of Firm Size on Earnings Management," Working Paper, University of Hawaii.
- Miller, B. W. Paul, and Paul R. Bahnson, (1999), "Quality Financial Reporting: Why You Need it and How to Implement it", The Journal of Corporate Accounting and Finance/ Autumn.
- Pergola, M. T., W. J., Gilbert, and A., Jenzarli, (2004), " Effects of Corporate Governance and Board Equity Ownership on Earnings Quality", Working Paper, University of Tampa.
- Rajgopal, S., and M. Venkatachalm, (2005), "Financial Reporting Quality and Idiosyncratic Return Volatility over the Last Four Decades", Empirical Research, University of Washington.
- Sun, J., (2005), "Financial Reporting Quality, Capital Allocation Efficiency, Financing Structure: An International Study", A Dissertation, Shanghai University.
- Vafeas, N., (2000), "Board Structure and the Informativeness of Earnings", Journal of Accounting and Public Policy 19, 139 – 160.
- Verdi, S., (2006), "Financial Reporting Quality and Investment Efficiency", A Dissertation, University of Pennsylvania.
- Watts, L. R., and J. L., Zimmerman, (1986), "Positive Accounting Theory", Prentice Hall, New Jersey.
- Wu, S., (2006), "Managerial Ownership and Earnings Quality", Working Paper, University of British Columbia.